

همدان پیام: آنگاه شمس قامت بلند و باریک خود را راست می‌کند و با لحنی خشک می‌پرسد: «کدام یک بزرگترند؟ یابزید یا پیغمبر؟»...

مولانا گاه سخنتش را با این جمله آغاز می‌کند: مثل من، چون مثل دریاست که نه اعماقش پیداست، نه آغازش و نه پایانش. بسیار اندک بودند کسانی که می‌دانستند این قیاس در واقع از یابزید است و بسیار نادر بودند کسانی که دنباله آن را می‌دانستند: عرش منم، کرسی منم، ابراهیم، موسی و عیسی منم، جبرائیل و میکائیل منم، اسرافیل و عزرائیل منم...

مولانا پاسخ داد: «محمد بزرگتر است. تشنگی یابزید تنها با نوشیدن قطره‌ای که در ظرف ادراک او می‌گنجید، تشفی یافت، در حالی که تشنگی محمد بیکران بود. تشنگی در وجودش انباشته بود. او غرق در تشنگی بود...» در این لحظه، شمس بیخود شد. به راستی از هوش رفت.

نهایل تجدد نویسنده کتاب "عارف جان سوخته" که شرح حال زندگی مولاناست، نخستین فصل کتابش را با دیدار مولانا و شمس اینگونه آغاز می‌کند. به نظر تجدد، زندگی مولانا از همان زمان آغاز می‌شود و عنوان "عارف جان سوخته" از همان لحظه شایسته مولانا می‌شود.



"عارف جان سوخته" با نام اصلی "رومی سوخته"، سال ۲۰۰۴ در فرانسه منتشر شد. تجدد که متولد ایران است علاقه زیادی به فرهنگ شرق دارد. موضوع رساله فوق لیسانس وی مقایسه شاهنامه با یک اثر چینی به نام "فنگ شن یی" بوده، وی دکترای زبان و فرهنگ چینی دارد تجدد سال‌های زیادی است که در فرانسه زندگی می‌کند و به زبان فرانسوی می‌نویسد. تجدد پس از آشنایی و خواندن غزلیات شمس، تحت تأثیر مولانا قرار گرفت و علاوه بر ترجمه ۱۰۰ غزل شمس به کمک مادر و همسرش، ژان کلود کریر کارگردان فرانسوی، تحقیق درباره زندگی مولانا را آغاز کرد. نتیجه این تحقیق‌ها کتاب "عارف جان سوخته" است که انتشارات نیلوفر آن را امسال منتشر کرده است. مهستی بحرینی هم پس از خواندن این کتاب آن را مناسب مخاطب فارسی‌زبان دانست و این کتاب را ترجمه کرد.

▪ **کتاب بر اساس سفارش مرکزهای شرق‌شناسی نوشته شده یا علاقه خود خانم تجدد؟**

نهایل تجدد خودش خیلی به مولانا علاقه‌مند است. مادر وی دکترای ادبیات فارسی است و به دلیل مطالعات او، نهایل هم به آثار و زندگی مولانا علاقه‌مند شده است. وی چند داستان از مثنوی مولوی و ۱۰۰ غزل از دیوان شمس را هم به زبان فرانسه ترجمه کرده است.

▪ **"عارف جان سوخته" بیشتر یک اثر پژوهشی تاریخی است یا داستان؟** مایه‌های داستانی کتاب بیشتر است تا اراج‌های تاریخی آن. تجدد برای نوشتن این کتاب از منابع موقت استفاده کرده است، اما شکل نگارش او تاریخی نیست. وی هیچ کدام از حوادث را جل نکرده، اما مثل یک کتاب تاریخی، با آن نظم و ویژگی‌ها کتاب را نوشته است. من برای ترجمه کتاب و استفاده درست از واژه‌های عرفانی به کتاب‌هایی که منبع این کتاب بوده‌اند مراجعه کرده‌ام و متوجه شدم که هیچ کدام از داستان‌ها جعلی نیست، شاید گاهی اغراق وجود دارد.

▪ **برای نوشتن این کتاب از چه منابعی استفاده شده است؟**

بیشتر از کتاب "مناقب العارفین" نوشته افلاکی استفاده شده است. از کتاب‌های "پله پله تا ملاقات خدا" اثر عبدالحسین زرین کوب و "ولدنامه" مجموعه شعر پسر مولانا هم استفاده شده است. کار تجدد تلفیق اطلاعات این کتاب‌ها و نگارش داستانی کتاب بوده است.

▪ **توصیف‌هایی که در کتاب است بر مبنای همان توضیحات تاریخی است؟**

شاخ و برگ‌هایی که در مکالمه و توصیف کتاب‌هاست حاصل تخیل نویسنده است. به نظر من این کتاب تحقیقی نیست، شرح حالی است که داستانی نوشته شده، اما از داستان‌هایی استفاده شده که اصالت دارند، برای اینکه از منابعی استفاده شده که اصیل بوده‌اند.

▪ **شما فکر می‌کنید ویژگی این کتاب که باعث شده مورد توجه قرار گیرد، چیست؟**

تجدد از همه منابع که درباره زندگی مولاناست، بدون اینکه مانند یک پژوهشگر آنها را بسا هم تطبیق دهد و معتبرترین را انتخاب کند، استفاده کرده است. این مهمترین ویژگی این کتاب است. برای همین می‌گویم نمی‌توان به عنوان یک اثر پژوهشی این کتاب را خواند و به آن استناد کرد.

اگر وی در بخش‌هایی از تعریف داستان، مبالغه هم کرده، مبالغه‌ای است که خود افلاکی در کتاب "مناقب العارفین" آورده است. البته شاید به واقع نتوان افلاکی را هم متهم به مبالغه کرد، چون افلاکی هم‌عصر مولانا بوده است و تاریخی که از زندگی مولانا نوشته به استاد حرف‌هایی است که از خود مولانا، اطرافیانش و پسرش شنیده است. شاید یکی از دلایلی که باعث توجه به این کتاب شده است، تلفیق خوب اطلاعات تاریخی منابع مختلف است. تجدد منابع را دقیق خوانده و به خوبی آنها را کنار هم قرار داده است. کتاب‌های تاریخی مختلف را خوانده است و با توصیف‌های داستانی که متکی به تخیلش است، آنها را تلفیق کرده. مسأله‌ای که من می‌خواهم تأکید کنم این است که پژوهشگران نمی‌توانند به این کتاب استناد تاریخی کنند، این کتاب بیشتر برای عامه مردم نوشته شده که هم دوست دارند از مولانا بخوانند، هم منتقد ادبی و پژوهشگر نیستند.

▪ **یکی دیگر از ویژگی‌های کتاب نوشتن، شأن سرودن بعضی از غزل‌هاست، شأن سرودن هر غزل هم در همان کتاب‌های تاریخی آمده یا برداشت خود تجدد است؟**

بیشتر از نوشته‌های افلاکی استفاده شده. بعضی جاها که در کتاب نوشته شده «مولانا پس از این اتفاق این غزل را سرود» استاد تاریخی دارد، اما جاهایی که پس از روایت داستانی یک اتفاق غزلی نوشته شده، سلیقه یا استنباط شخصی خانم تجدد بوده که این غزل با این موقعیت همخوانی داشته است.

▪ **تجدد برای روایت این شرح حال، با توجه به اشاره‌هایی که مولانا در غزلیات شمس به زندگی خودش دارد، این کتاب را منبع قرار داده است؟** جاهایی که افلاکی هم از غزلیات استفاده کرده، پله. اگر توانسته بین داستان و غزل ارتباطی پیدا کند غزل را نوشته، اما از غزل به داستان نرسیده است.

وی سال‌های زیادی درباره آیین‌ها و مذاهب چینی تحقیق کرده، به‌نظر می‌رسد در بعضی توصیف‌ها تحت‌تأثیر تحقیق‌های خودشان درباره فرهنگ چین است. من هم در ترجمه گاهی این توصیف‌ها را تحت تأثیر فرهنگ چین می‌دیدم. او بیشتر در توصیف‌هایش برای نشان دادن زیبایی یک صحنه یا مکان از توصیف‌هایی استفاده می‌کند که مبارهای زیبایی فرهنگ چین است. گاهی هم اشاره‌هایی به مانی و زرتشت می‌کند، اما نمی‌توان مولانا را تحت تأثیر هیچ کدام از این آیین‌ها دانست، مولانا تنها تحت تأثیر فرهنگ اسلامی بوده است.

مقام معظم رهبری: گلابه‌ای که از مسئولان مرتبط با موضوع درخت و درختکاری وجود دارد، این است که گاهی صدها درخت در جاهایی که نباید قطع بشوند، قطع می‌شوند که علاوه بر غصب زمین‌های اطراف شهرها و آبادی‌ها و از بین رفتن پوشش گیاهی توسط برخی افراد سودجو که سبزی این مناطق را به سیمان و ساختمان‌های بلندمرتبه تبدیل می‌کنند، مجموعه جنگل‌های کشور نیز در معرض تهدید قرار دارد. حضرت آیتا... خامنه‌ای با تأکید بر



ضرورت شکل‌گیری عزم و اراده راسخ برای جلوگیری از تصرف غیر قانونی مناطق اطراف شهرهای بزرگ تصریح می‌کنند: از بین رفتن محیط سبز اطراف شهرها، به‌خصوص جنگل‌ها، مشکلات متعدد بشری را به دنبال دارد که همه مسئولان مرتبط با موضوع در دولت، مجلس، قوه قضائیه و شهرداری‌ها باید برای جلوگیری از پیشرفت این حرکت غلط، اقدام جدی به عمل آورند.

(از بیانات رهبری در روزدرختکاری اسفند۱۳۹۱ به نقل از www.khamenei.ir)

قربون بچه آینده نگرم برم

که از حالا به فکر

"تغییر کاربری" زمین و آینده شه...!

"بلدوریسم"؛ گفتمان غالب پایتخت تاریخ و تمدن

عجب مردمانی هستیم



طرح همدان پیام - محمود لیلری

مولانا

انباشته از تشنگی

تنهایی در پایان یک

زندگی مشترک

جشن عاطفه‌ها

۱۹ ساله شد

نگاه

جشن عاطفه‌ها؛ فرصتی برای یک حرکت ماندگار

محمد سپهرایی

همدان پیام: نوع‌دوستی و دستگیری از نیازمندان از جمله خصلت‌های نیکو و حسنه ملت ایران است که در دوره‌های مختلف و به شکل‌های گوناگون متجلی شده و خود را نشان می‌دهد. مردمان این مرز و بوم از دیرباز به داشتن چنین ویژگی‌ها و حرکت‌های خدایپسنده‌ان و انسان‌دوستانه مشهور بوده‌اند و امروز نیز چنین آداب و رفتارهایی که هم از نگاه دینی و مذهبی و هم با توجه به فرهنگ ما ایرانی‌ها اهمیت فراوانی دارند، همچنان در جامعه دیده می‌شود و در ایام مختلف و به مناسبت‌های گوناگون شاهد حضور و مشارکت مردم در صحنه با هدف کمک به نیازمندان هستیم.

برگزاری جشن‌ها و مراسم مختلف با عناوین مناسب که در ایام خاصی از سال برگزار می‌شود، بهانه‌ای است برای انجام چنین کارهای خدایپسنده‌ان و تلاش در جهت محرومیت‌زدایی از جامعه و رفع نیازهای مالی نیازمندان تا طبق آنچه در آموزه‌های دینی ما مورد تأکید قرار گرفته است، فقر و تنگدستی از جامعه رخ برند.

جشن عاطفه‌ها از جمله برنامه‌های خوب و مناسبی است که با چنین هدفی و در راستای کمک به دانش‌آموزان نیازمند و تأمین ابزارها و وسایل لازم برای حضور آنها در کلاس‌های درس در ایام آغازین سال تحصیلی به اجرا درمی‌آید تا همه فرزندان این مرز و بوم که آینده‌سازان جامعه به حساب می‌آیند، از امکانات لازم برای ادامه تحصیل بهره‌مند شوند و مشکلات اقتصادی باعث نگردد که استعدادها و توانمندی‌های بالقوه و ارزشمند آنها به فعلیت نرسد.

امسال نیز مانند گذشته چنین برنامه‌ای با شعار "مهر حماسی" در سطح مدارس، میادین شهر و پایگاه‌های مخصوص جمع‌آوری کمک‌های مردمی به اجرا درآمده و پیش‌بینی می‌شود آثار و نتایج خوبی را در پی داشته باشد. فقرزدایی از جامعه و تأمین نیازهای مالی نیازمندان همواره به عنوان یک عمل ارزشمند و نیکو مورد تأکید بوده و در این راستا توصیه‌های زیادی به مردم شده است.

اهمیت این موضوع در خصوص دانش‌آموزان نیازمند بسیار بالا بوده و به تبع آن بیشتر باید مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه حل مشکلات نسل‌های جدید از این لحاظ علاوه بر اثربخشی فوری و کوتاهمدت آن، در بلندمدت نیز دارای آثار و نتایج مهمی است و در واقع زمینه‌های رشد و شکوفایی علمی و پیشرفت و موفقیت آنها را فراهم می‌کند. از این رو شرکت در جشن عاطفه‌ها و کمک به دانش‌آموزان، حرکتی ارزشمند و با آثار ماندگاری است که در کنار اجر و ثواب اخروی، از جهت کمک به آینده‌سازان جامعه که نقش مهمی در رشد و سازندگی کشور دارند، از اهمیت خاصی برخوردار است.

با شعار "مهر در انتظار مهر حماسی"

جشن عاطفه‌ها ۱۹ساله‌شد

همدان پیام: باز هم پاییز و فصل مدارس از راه رسید تا بار دیگر درد فقر و نداری در گلوئ کودکان فقیر گره زند و قطره اشک سردی بر گونه کوچکش بنشاند و حسرت داشتن یک جفت کفش کتانی و کیف و دفتر تازه در دل کوچک و بهاری کودک یتیم، نقش ببندد.

اما فرصت‌هایی است که می‌توان با دستان پر مهر و با سخاوت، گل لیختند بر لب دانش‌آموزانی نشاند که در ظاهر نیازمند کمک هستند، اما باطنی غنی و سرشار از امید و آرزو دارند. فرصتی مثل جشن عاطفه‌ها، جشنی که همه ساله و در آستانه فرا رسیدن ماه مهر، ماه مهریانی، به وسعت تمام ایران برگزار می‌شود و با برگزاری آن بوی عشق، ایثار، عاطفه و مهربانی در فضای کشور به مشام می‌رسد.

جشن عاطفه‌ها همایشی ملی است که امسال ۱۹ ساله می‌شود. با وجود اینکه هر سال برخی نقل قول‌ها به وجود می‌آید که مشارکت مردمی ممکن است به دلیل گرانی و تورم کاهش یابد؛ ولی هرچه از سن این جشن می‌گذرد، مردم ایران باز حماسه‌ای از مهربانی می‌آفرینند، حماسه‌ای از جنس امید و شور که موجب می‌شود لیختند روی لبان دانش‌آموزی بنشیند که در زیر سایه فقر و ناتوانی امسال دیگر باید درد درس و مشق و کتاب و دفتر را خط بکشد، اما با حضور حماسی مردم دری از علم و دانش به روی او گشوده می‌شود.

به گزارش همدان پیام، روزهای دهم، یازدهم و دوازدهم روز برگزاری جشن عاطفه‌هاست.

روز گذشته این جشن در مدارس برگزار شد. یک روز نعادین که طی آن، دانش‌آموزان برای دستگیری از همنوع خود تلاش می‌کردند.

جشن عاطفه‌ها، جشن نیکوکاری و... تنها بهانه‌ای است برای نزدیک شدن دل‌ها به یکدیگر، تنها فرصتی است برای حضور پرپار و محبت‌آمیز مردم تا این حقیقت بر قشر آسیب‌پذیر و محروم جامعه آشکار شود که افرادی باسقاوت در کنار آنها هستند.

در سطح شهرستان همدان ۳۳۴ پایگاه جشن عاطفه‌ها برای جمع‌آوری کمک‌های دانش‌آموزان مستقر شدند.

در این خصوص مدیر کل کمیته امداد امام خمینی(ره) استان با اشاره به تغییرات رویکردی برگزاری جشن ملی و معنوی عاطفه‌ها در سال‌های اخیر با هدف بهره‌مندی حداکثری از تمامی ظرفیت‌های موجود گفت: در سال جاری این جشن در روزهای چهارشنبه (۱۰ مهر) در همه مدارس استان، روز پنجشنبه (۱۱ مهر) در

سیام آدین

ضمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

سیام آدین

ضمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

تنهایی در پایان یک زندگی مشترک

همدان پیام: بسیاری از متخصصان بر این باورند زندگی کردن در کنار همسر برای سلامت سالمندان مفید است. آقای فیروزی را همه در محلمان می‌شناختند. همان پیرمرد نظامی بازنستته‌ای که خط اتوی شلوارش خربزه قشاق می‌کرد! پیرمرد تنها و کم رفت و آمدی که چند سالی بود پس از مرگ همسرش روزگار می‌گذراند و هر از گاهی آخر هفته‌ها فرزندانش به او سر می‌زدند تا اینکه خبر ازدواج پیرمرد مثل بمب در محل منفجر شد. خوب به یاد دارم تا مدت‌ها حرف این ازدواج بحث روز اهل محل بود. خانم‌های همسایه گهگاه همسرش را به هنگام خرید می‌دیدند! پیرزن خونگرم و مهربانی که همه با همکلامی با او شیفته‌اش می‌شدند. اما این پیرزن

مهربان غمی بزرگ در دل داشت. مادر می‌گفت یک‌بار که سر درد دل را با او باز کرده چقدر از زندگی با پیرمرد احساس رضایت داشته است، اما با همه تلاشی که در این مدت برای برقراری یک رابطه صمیمانه کرده بود نمی‌دانست چرا فرزندان پیرمرد روی خوش به او نشان نمی‌دادند و به او به چشم زنی که جای مادر مرحومشان را گرفته نگاه می‌کردند؛ مسأله‌ای که پیرزن را در تردید ماندن و رفتن قرار داده بود.

در دوران سالمندی، زندگی فرد دست‌خوش تغییرات مبرهنتی می‌شود که گاهی تحمل این دگرگونی‌ها برای فرزندان سخت و طاقت‌فرساست. همین موضوع و برآورده نشدن نیازها و مشکلاتی که سالمندان به واسطه تنها زندگی کردن متحمل می‌شوند، گاه آنها را وامی‌دارد که یک‌بار دیگر به ازدواج و یافتن شریک مناسبی برای پایان دادن به مشکلات زندگی در تنهایی بپنیدیشند. این‌درحالی است که متأسفانه پذیرش ازدواج سالمندان در جامعه ما دارای پیچیدگی‌های خاص خود است و شاید به همین دلیل باشد که به سختی از سوی اطرافیان پذیرفته می‌شود.

داشتن همسر در دوران سالمندی گام موثری در تقویت روحیه افراد کهنسال محسوب می‌شود چرا که

نیازهای روحی افراد مانند دوست داشته شدن، همدلی، حمایت و احساس نیاز به صمیمیت را برطرف می‌کند و زندگی سالم و پرنشاطی را برای سالمند رقم می‌زند. بسیاری مواقع بعد از سال‌ها زندگی مشترک، یکی از زوج‌ها فوت می‌کند و زوج دیگر مجبور است سال‌های زیادی را تنها و بدون همدم سپری کند. در چنین شرایطی افسردگی و استرس‌های دوران سالمندی به سراغ سالمند می‌آید و در کنار مشکلات جسمی ناشی از کهنولت سن، افسردگی و بیماری‌های روحی روانی؛ سلامت وی را تهدید می‌کند.

داشتن همسر در دوران سالمندی گام موثری در تقویت روحیه افراد کهنسال محسوب می‌شود چراکه نیازهای روحی افراد مانند دوست داشته شدن، همدلی، حمایت و احساس نیاز به صمیمیت را برطرف می‌کند و زندگی سالم و پرنشاطی را برای سالمند رقم می‌زند. واقعیت این است که در دوره زندگی، فرد سالمند با فرزندش حالت نامتعادل به خود می‌گیرد و بودن این افراد در کنار فرزندان نه تنها حس خوبی به آنها نمی‌دهد، بلکه گاهی اوقات سبب بی‌آری طرفین می‌شود. اگر چه دانستن این واقعیت و درک آن برای بسیاری از ما تلخ و دور از انتظار است اما نباید این نکته را انکار کرد که پیچیدگی مناسبات



رویدادی مثبت تلقی می‌شود در غیر این صورت می‌تواند موجب به وجود آمدن مشکلات دیگری شود. از آنجا که مهمترین کارکرد ازدواج از نگاه بسیاری از مردم تأمین نیازهای جنسی است، سالمندان خجالت می‌کشند موضوع ازدواج را با فرزندان‌شان مطرح کنند اما با کمی واقع‌بینی می‌توانیم دریافتیم که تنها ماندن در آن آشیانه خالی و هجوم افکار ناراحت‌کننده، حاصلی جز انتظار کشیدن برای مرگ ندارد و از دست رفتن سلامت و مستهلک شدن بدن، مشکلات گوارشی و...، حسن ناامنی و ترس موجود را چند برابر می‌کند. بنابراین افراد سالمند به هیچ عنوان نباید از این موضوع خجالت بکشند و حتی می‌توانند برای مطرح کردن موضوع ازدواج با فرزندان‌شان از یک مشاور خانواده کمک بگیرند.

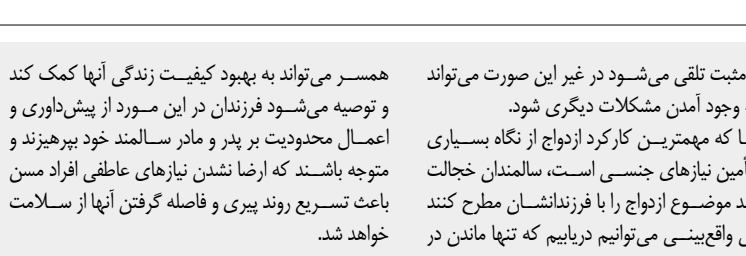
فرزندان نباید این نکته را فراموش کنند که امروزه برخلاف گذشته زندگی خانوادگی از گستردگی گذشته برخوردار نیست و سالمندان پس از فقدان همسر به تنهایی زندگی را می‌گذرانند که این امر اثرات سوئی بر روان آنها به جا می‌گذارد.

این در حالی است که ازدواج سالمندان در صورت نبود

کاری و اجتماعی موجب شده تا بسیاری از روابط خانوادگی کمرنگ شود و فرزندان وقت کمی برای سرزن به پدرها و مادرهای سالمندشان داشته باشند که گاهی وقفه بین این سرزرن‌ها به چند هفته هم می‌رسد.

در این بین اگر فرد به دلیل مرگ همسرش محکوم به تنها ماندن و چشم دوختن به در باشد از نظر روحی بسیار آسیب‌پذیر خواهد شد. تحقیقات نشان می‌دهد دلیل بسیاری از مرگ‌های دوران سالمندی ناشی از بیماری‌ها و کهنولت سن نیست و هیچ‌گونه عارضه جسمی در بسیاری از این مرگ‌ها مشاهده نمی‌شود بلکه علت اصلی، تنهایی سالمند است.

ازدواج در هر سنی به شرط آنکه در مسیر درست خود باشد و چارچوب‌های عقلانی در آن مدنظر گرفته شود، رویدادی مثبت تلقی می‌شود و در غیر این صورت می‌تواند موجب به وجود آمدن مشکلات دیگری شود. متأسفانه این باور غلط در جامعه ما وجود دارد که ازدواج در دوران سالمندی و حتی میانسالی خجالت‌آور است اما باید گفت دوری از تعصبات بیجا و بی‌منطق که تنها بر پایه تفکر شخصی یا عرف از سوی فرزندان در خصوص ازدواج سالمندان مطرح می‌شود راهی غیرمنطقی و ناصحیح بشمار می‌رود چراکه در این زمینه هیچ‌گونه منع شرعی وجود ندارد.



همسر می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی آنها کمک کند و توصیه می‌شود فرزندان در این مورد از پیش‌دآوری و اعمال محدودیت بر پدر و مادر سالمند خود بپرهیزند و متوجه باشند که ارضا نشدن نیازهای عاطفی افراد مسن باعث تسریع روند پیری و فاصله گرفتن آنها از سلامت خواهد شد.

به طور حتم می‌دانید که دستگاه ایمنی ما به محض اینکه تحت فشار عاطفی قرار بگیریم، واکنش نشان می‌دهد و تضعیف می‌شود. پس فرزندان باید نگران والدین خود باشند و حتی برای آشنایی والد تنهای خود با یک همسر مناسب برنامه‌ریزی کنند تا در نشست‌های خانوادگی و در رفت و آمدهای دوستانه با همکاران و همسایگان خود اگر مورد خاصی وجود داشت موجبات آشنایی بیشتر صورت گیرد.

در عین حال، آشنا کردن پدر یا مادر تنها با سازمان‌های مردم‌نهاد مختلف و عضویت در آنها، نیت‌ماند آنها در تورهای مسافرتی، زیارتی، سیاحتی و ... بر عهده فرزندان است تا علاوه بر تأمین حس شادابی، زمینه را برای یافتن همسری مناسب فراهم کنند.

کودکی طعم فقر را نچشد و همه بچه‌ها درس بخوانند و شادی کنند.

امروز کرامت از خرمن شما خوشه می‌چیند. عاطفه از آسمان عطفوت شما می‌بارد و مهربانی دست به دامن شما که شادمانی را میهمان سفره نیازمندان کرده‌اید، می‌شود. شما امروز عاطفه را شرمندۀ خود ساختید. علی‌ایمانی نیز یکی از کاسبان این شهر است. سمدی که هر روز صبح با نام پروردگار در مغازه‌اش را باز می‌کند. او می‌گوید همه بچه‌ها باید درس بخوانند، باید به آنان کمک کرد، نباید گذاشت غم در دلشان خانه کند. این مرد ۶۴ساله خوش‌قلب می‌گوید حتما در جشن عاطفه‌ها شرکت می‌کند و به بچه‌های دیگر همانند بچه‌های خودش کمک می‌کند. به شما می‌اندیشیم، به شما که اینگونه به یاری نیازمندان می‌شتابید. به شما که سید سید محبت را از باغ همیشه سبز باور خود به ارمان می‌آورید.

کبری احمدیان یکی از مادران خوب این شهر است. او ۳فرزند دارد و می‌گوید دلش می‌خواهد به وظیفه شرعی خود عمل کند. محبت از انمه‌(خ بر جای مانده و انسان می‌تواند با محبت، دلی را شاد کند و چشمانی را رونق بخشد. کمک کردن وظیفه هر مسلمانی است که باید به آن عمل کند.

سفره نعمت‌های بیکران الهی گسترده شده و ما یکی دو روزی میهمان این سفره‌ایم. چه خوب است که با دست پر از آن بیرون برویم، دستی که قرب الهی را توشه خود کرده است. امروز روز آسمان است. روز پاکی و روز زلالی. روز بیکرانگی، امروز بهشت را تقسیم می‌کنند. این جا هم باغ عاطفه است.

در این پاییز برگ‌ریز هزاران‌رنگ بیا با دست‌های خویش بر قامت یتیمان شهر لباس دل‌وازی ببوشانیم. بیا قسمتی از صداقتمان را به حساب بچه‌های شهر بریزیم. بیا به خاطر آنان که هیچگاه فرصت شکوفا شدن نداشتند، بهار را هدیه کنیم.

بیا امروز که روز مهربانی است لحظه‌های رنگین کمان آرزو باشیم؛ آرزوهایی در دل بچه‌ها. بیا تا گل برافشانیم و به تماشای اتفاق بنشینیم. بیا نگذاریم قلب کودکی در سرمای بی‌محبتی بایستد. بیا به کودکان فقیر کمک کنیم، آنان آینده‌سازان سرزمینمان هستند. بیا ایرانمان را آباد کنیم. محبت در دل من و توست بیا آن را تقسیم کنیم...

احسان مغناطیسی است که جاذبه قوی آن سرسخت‌ترین انسان‌ها را به سمت خود می‌کشاند. بیا با نیکوکاری، نور صفا و صمیمیت را بر دل‌های دیگران بتابانیم. بیا نگذاریم دخترک کبریت‌فروش شهرمان در سرمای بی‌کسی یخ بزند. دنیا مزرعه آخرت است و انسان هرچه در آن بکارَد در آخرت برداشت خواهد کرد. بیا زکات اموال خود را بدهیم. بیا به وسعت توانایی‌مان، زیبایی را تقسیم کنیم. شهد سخاوت امروز کام‌ها را چه شیرین می‌کند بی‌آنکه دستی به نیاز برآید.

بوی خوش نوع‌دوستی، عطر رویش را در دل‌هایمان جاودانه می‌کند و عطر روح‌افزای مهربانی، زندگی

و حیات را در تن اجتماع پرمهرمان جاری می‌سازد. بیا شهرمان را عاطفه‌باران کنیم. بیا قلب‌ها را از عاطفه، عشق، امید و دوستی پر کنیم. بیا نگذاریم اشکی در چشمی به خاطر نداری جمع شود، نگذاریم شیطان در دل‌ها خانه کند، بیا با دفتری، با لباسی یا کیفی، کودکی را شاد کنیم. بیا سرپناهی باشیم، چتری باشیم از عشق و ایثار و نگذاریم دلی در حسرت بماند.

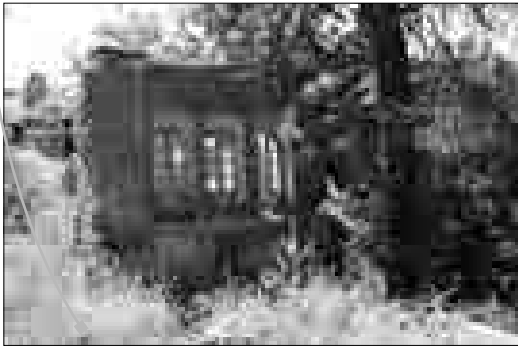
بیا در این دنیای فانی اثرگذار باشیم، لبریز از انسانیت. کودکان، مهربانی را خوب می‌فهمند. بیا به کودکان بگوییم دوستشان داریم. امروز بر سر سفره کرامت الهی همه چیز هست.

قاصدی

نشانه‌هایی که بی‌نشان می‌شوند

■ تخریب خانه تاریخی نراقی

روایت تخریب خانه نراقی‌های همدان واقع در خیابان شریعتی به گوش‌ها آشناست. بیش از دو سال است که رسانه‌ها تلاش کرده‌اند با انعکاس گزارشات متعدد، توجه مسئولان استانی در ارگان‌های مرتبط را به این بنا جلب کنند. خانه‌ای که ۱۰۰ سال قدمت را در دیوارهای خاک گرفته‌اش حبس کرده بود و در حالی که ۱۱ سال پیش در فهرست آثار ملی جا داشت به مقوله‌ای معاملاتی در بازار ساخت و سازها تبدیل شد. و این روزها دیگر در لیست ملی جایی ندارد. امروز دیگر بیشتر اهالی این شهر مطمئن هستند در آینده‌ای نزدیک، برجی چند طبقه ستون‌های پا گرفته‌اش را بر محوطه این بنای تاریخی، محکم خواهد کرد.



■ آتش‌سوزی در بازار تاریخی همدان

بازار همدان بازاری است با ۳۰ راسته و یک بغل حادثه. بازار همدان که دارای ۳۰ راسته‌بازار است از جمله مناطقی است که می‌توانست در صورت برنامه‌ریزی‌های منسجم به یک مکان گردشگری و تاریخی مهم در همدان تبدیل شود. اما پس از آتش‌سوزی‌های ممتد که در یکی دو سال اخیر رخ داده است به نظر می‌رسد راسته‌بازارهای همدان هم به تاریخ پیوندند. آخرین حادثه آتش‌سوزی در این بازار در ۲۰ اردیبهشت سال جاری در حالی به وقوع پیوست که فعالیت اقتصادی برخی از مغازه‌ها در راسته‌بازار نخودریزهای همدان را به چالش کشید.

در کنار این حوادث، شواهد دیگر نیز حاکی از این است که راسته‌بازارهای فرش‌فروشان همدان و تعدادی از کاروانسراهای این راسته‌بازار امروز به جای آنکه ویترینی برای صنایع دستی همدان باشد مکانی برای خرید و فروش مصالح ساختمانی و برنج هندی و پاکستانی شده است.



■ تهدید شهر زیرزمینی سامن با توقف کاوش‌ها

ادامه کاوش در سامن هم از زمستان ۱۳۹۰ متوقف شده است و بر اساس اظهار نظر کارشناسان ادامه کاوش در شهر زیرزمینی سامن، تملک حریم مجموعه و راه‌اندازی فاز نخست آن، نیازمند اعتبارات زیادی است.

شهر زیرزمینی سامن پتانسیل بسیار مهم گردشگری شهرستان ملایر است و با افتتاح فاز نخست آن شهر شاهد رونمایی از یکی از مهمترین آثار باستانی و گردشگری غرب کشور خواهیم بود. البته سرپرست کاوش‌های سامن پیش از این در خصوص فرسوده شدن اسکلت‌ها در صورت متوقف ماندن فازهای بعدی، هشدار داده است.

۱۹ تیرماه سال جاری هم ترک ایجاد شده در گنبد امامزاده محسن(ع) یکی دیگر از خطرهایی بود که این بنای تاریخی در همدان را تهدید کرد. این اتفاق منجر به تماس فوری استاندار با مدیر کل میراث فرهنگی شد.

بقعه امامزاده محسن(ع)، بر فراز تپه‌ای در دامنه شمالی کوهستان الوند و در انتهای دره سرسبز و مصفاى برفین (وفرچین) قرار گرفته و به همین دلیل به امامزاده کوه نیز شهرت یافته است. این امامزاده از جمله اماکنی است که می‌توانست گردشگری طبیعی و مذهبی را در همدان معنا بخشد، اما این روزها به جای رونق این نوع از گردشگری باید به فکر مرمت گنبد آن بود.

در این گزارش بر آن شدیم با مروری بر اتفاقات رخ داده در حوزه میراث فرهنگی، متولیان امور را بر آن داریم تا نگاهی ویژه به این آثار ارزشمند باقی مانده از گذشتگان داشته باشند.

■ تخریب باغ بدیع‌الحکما

باغ بدیع‌الحکما واقع در ابتدای جاده دره‌مربابک از جمله بناهای به جا مانده از نیم قرن پیش است. خانه‌ای که صاحب آن بدیع‌الحکما یکی از پزشکان نامی در آن زمان بوده است. این باغ در روزهای پایانی عمر عارف قزوینی در همدان، محل سکونت وی نیز بوده است. خبر تخریب این باغ که حالا ۷۰۰ سال از روزهای بنای آن می‌گذرد آنقدر دوستداران تاریخ و میراث ایران‌زمین را آزرده کرد پرویز ادکایی پژوهشگر تاریخ در این‌باره گفت: «از زمان شنیدن خبر تخریب خانه بدیع‌الحکما جگرم خون است». و تاکنون اقدامی خاص برای حفظ این باغ انجام نشده است.



■ خطر نابودی اصطلیل مری

در میان آثار تاریخی در گوشه و کنار استان، خطر تخریب اصطلیل مری هم از جمله اخباری بود که نشان از بی‌خبری متولیان امور در این حوزه داشت. این اصطلیل که در روستای گردشگری ورنکه قرار دارد معماری منحصر به فردش به دلیل وجود مصالح سنتی و سنگی در این روستاست. این اصطلیل اثری برجای مانده از زمان قاجار است که هنوز بقایای گچبری‌ها و نقاشی‌ها روی دیوارهای آن به جا مانده است. اما تخریب شدن سقف آن خبر از احتمال تخریب کل بنا را می‌دهد.



گردشگری و اشتغالزایی و درآمد از این راه است

، زنگ خطری است که باید تصمیم‌گیران و متولیان امور را بیش از پیش برای پاسخگویی به آیندگان نگران کند. برای شنیدن صدای این زنگ کافی است نگاهی گذرا به روند نامطلوب در مسیر از بین رفتن این آثار داشته باشیم که قطع و یقین هر یک ریشه در تاریخ و هویت مردمان ایران‌زمین دارد. بدون بازگشت به گذشته و فقط با اشاره به زیر آب رفتن پاتپه در ملایر و قرار گرفتن ستون‌های تاریخی در فضای باز در نهاوند و تغییر ظاهر علیصدر که مانع از ثبت جهانی آن شد در کنار پای‌سازیهایی که از ثبت جهانی میدان تاریخی امام همدان جلوگیری می‌کند به برخی از اتفاقات ۶ ماه گذشته استان در زمینه بی‌توجهی به حفظ میراث گذشتگان اشاره می‌شود.

■ ناپدید شدن نشان کلیسای گریگوری

در کنار تخریب بناهایی که به پهنه‌هایی همچون نوسازی، بازسازی و تجاری‌سازی انجام می‌شود، اتفاق‌های دیگری همچون برداشته شدن صلیب کلیسای گریگوری استپانوس بر فراز تپه هگمتانه رخ می‌دهد.

بیش از ۴ ماه پیش بود که صلیب کلیسای گریگوری استپانوس هگمتانه از روی شیروانی این کلیسا برداشته شد. این کلیسا که قدمت آن به ۳۳۵ سال پیش بازمی‌گردد در سال ۱۶۷۶ میلادی همزمان با سلطنت شاه سلیمان صفوی در محوطه هگمتانه

صنایع در محوطه هگمتانه بنا شد. بر اساس کتیبه

سنگی نصب شده بر سردر کلیسا در سال ۱۹۳۱ مرمت

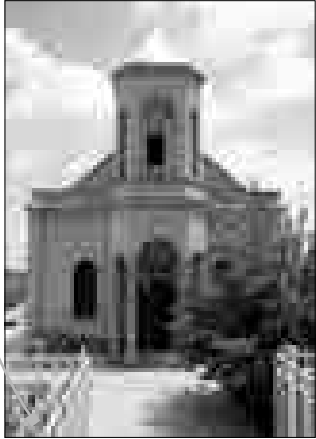
این کلیسا به مدت ۵ سال با کمک‌های مالی هیأت امنای

کلیسا و شورای خلیفه‌گری ارامنه مجموعه‌ای متمایز را

به وجود آورده بود اما اهمیت این بنا از زمانی زیر سؤال

رفت که تنها نماد این بنای مذهبی به پهنانه تعمیر توسط

میراث فرهنگی چند ماهی است ناپدید شده است!



■ رانش زمین، مسجد جامع همدان را تهدید می‌کند

مرمت گنبد مسجد جامع هنوز در پیچ و خم اختصاص اعتبارات است البته این روزها، این نبود اعتبارات پهنانه بسیاری از تخریب‌ها اعلام شده است.

حسن قهرمانی‌مطلق، فرماندار همدان در شورای هماهنگی مدیریت بحران شهرستان هشدار داد گلدسته‌های مسجد جامع در معرض خطر تخریب قرار دارد و بی‌کنی‌های انجام شده باعث رانش گنبد مسجد شده است. گلدسته‌های مسجد جامع که فرماندار به خطر تخریب آنها اشاره کرده است، گلدسته‌های قسمت ایوان ورودی و جدید خیابان اکباتان است.

پیشینه بی‌کنی‌های اطراف مسجد به دهه‌های قبل می‌رسد. در آن زمان گویا با توافق هیأت امنای مسجد قسمت‌هایی از فضای بیرونی به منظور



درآمدزایی برای مسجد به شکل مغازه طراحی شد

که اگر این مهم با توجه به اصول مرمتی، دقیق

انجام می‌گرفت امروز این مشکل در فضای بیرونی به

وجود نمی‌آمد و حال برای برگرداندن این قسمت‌ها به

شکل ابتدایی باید فضاهای تراشیده شده از بیرون پر

شود.



روز جشن عاطفه‌ها

بچه‌های آسمان شهر را تنها نگذاریم



همدان پیام؛ امروز چشم‌ها و دستانی لبریز از عشق، مهربانی را می‌جویند. داستان بچه‌های آسمان را که یادتان هست. همان داستانی که روزی زینت‌بخش کتاب‌های درسی‌مان شد. داستان فقر چنین خواهر و برادرهایی یقیناً در دنیای واقعی اطراف ما بسیار است. کودکانی از جنس لطافت که منتظر کمک ما هستند، منتظر هستند تا به میانشان برویم و مهربانی را با آنان قسمت کنیم. در چشم این کودکان برقی از شور و شادمانی می‌درخشد. آنان بهار را می‌فهمند، شادی را، مهربانی را.. اما آه گویا من و تو از یاد بردهایم و فراموش کرده‌ایم که شاید همسایه‌ای در مجاورت ما زندگی کند که ما قادر به درک دنیایش نبوده‌ایم. همسایه‌ای که پروردگارمان بسیار سفارش کرده که از او غافل نشویم. اینک زمان امتحان فرارسیده و زمان سرفرازی من و توست.

در این آغازین روزهای زیبای مهر بیا مهرافشان باشیم. چه کودکانی هستند در این سرزمین که می‌خواهند تحصیل کنند، می‌خواهند شادی را تجربه کنند، می‌خواهند سایه مهر را حس کنند. چه خوب است که من و تو شادی‌بخش دل‌های کوچکشان در این دنیا باشیم باشد که در آخرت همین خوشی‌ها و شادی آنان دل‌هایمان را شادی بخشد. پروردگار از همان آغاز هستی، درهای آسمان را بر همه اهالی دل گشوده تا هر کس به قدر خویش سهم روزگارش را از رحمت لایزال بگیرد. پروردگار همیشه بیدار است و به پاسخ ناله‌ها و دعا‌های بندگان توجه می‌کند. خداوند هیچ دست بی‌بضاعتی را از درگاه خود بازمی‌گرداند.

دوست من امروز نعمت‌های پروردگارت را با خود بسیار یاد کن که اگر سایه رحمت او نبود هرگز در دنیا قدمی از قدم برنمی‌داشتی. به شکرانه آن لحظه‌ها که تمام ناتوانی‌ات را پوشانده و بر تن تو دعای اجابت پوشانده امروز تو نیز دستگیر باش، محبت کن و بر تن آن کودک فقیر لباس محبت ببوشان، کفش مهر به پایش کن و قلم و دفتر عشق به او بده. این یک معامله است. معامله‌ای که نباید به فکر سود آن باشی.

پروردگار مهربان این چنین تقدیر ما را زیبا نوشته که با دست‌هایمان دست یکدیگر را به یاری و مهر بفشاریم. بیا تا مثل او باشیم. امروز آنچه را که پروردگار به تو بخشیده در تمام هستی جاری کن مثل درخت باش؛ بخشنده و مهربان که وقتی هیزم‌شکن برای قطع شاخه‌هایش به سراغش می‌آید سایه‌اش را بر سر هیزم‌شکن می‌گستراند و میوه‌اش را با هر ضربه، نثار او می‌کند. نگذار دوست من مهربانی از دلت رخت بربندد. یادت می‌آید در کتاب‌های ریاضی دوره ابتدایی ما یک سبب را بین ۵ نفر تقسیم می‌کردیم.. حالا نیز بیا همانگونه کودکانه باشیم و محبتمان را تقسیم کنیم.

امروز روز طراوت است، امروز عشق میهمان دل‌هایمان است، از آسمان عطفوت می‌بارد و درختان عاطفه را می‌بینی که میوه‌های ایثار نثار می‌کنند. امروز زمینیان آسمانی شده‌اند. امروز پروردگار در همین نزدیکی‌ها نعمت می‌پاشد. امروز فرشتگان طبق طبق نیکی به آسمان می‌برند. امروز، روز عاطفه‌هاست.

آرام و سبک پر می‌کشند، اوج می‌گیرند و آسمان را زیبایی می‌بخشند. پرندگان مهربانی را می‌گویم. چقدر هوا باطراوت است و چقدر باغ دل‌ها شکوفه کرده است. باید نگریست. باید با دقت بر مهربانی‌شان چشم گشود. به راستی کدام زبان می‌تواند این همه عاطفه را سپاس گوید؟ گل‌های احساس را بین که از شرم، عرق کرده‌اند. امروز روز "خی‌علی خیرالعمل" است. مریم کاظمی دانش‌آموز ۱۵ ساله همدانی است که از محبتش می‌گوید. از وظیفه‌اش و از عشقی که به همه همسن و سالانش دارد. او می‌گوید دلش می‌خواهد همه را از محبت خود شاد کند. دلش می‌خواهد هیچ

کعبه مهدی غلامی

همدان پیام: نعمت داشتن باغات فراوان در مرکز و حاشیه شهر کوهستانی همدان از جمله مواردی است که دلیل تفکیک آن از سایر شهرهای کشور شده است. تلاقی و برخورد چشم‌انداز این مناظر با مکان‌های تاریخی حالتی خوشایند را برای مسافران و توریست‌ها ایجاد می‌کند. از جمله آنها، باغ‌هایی است که در حاشیه تقاطلی مانند جاده گنجنامه، حیدره، دره‌مرادیبک، جاده‌های قدیم و جدید تپه استخر عباس‌آباد و ... واقع شده که به سرعت از تعداد درختان و باغات این محلات کاسته می‌شود و این روزها به جای شاخ و برگ سبز این درختان و رایحه دلاویز گل‌ها و میوه‌های این باغات، دود قلیان‌ها و ساختمان‌ها است که سر بر آسمان‌ها می‌کشند.

در رابطه با فواید بی‌شمار درختان و آثار مثبت این نعمت الهی برای انسان‌ها، هیچ شکی وجود ندارد و درباره آن نیز سخنان بسیاری گفته شده است؛ از جمله اینکه منابع طبیعی ارتباط مستقیمی با مباحث اجتماعی، اقتصادی و توسعه پایدار دارند و زندگی انسان‌ها بسر روی کره زمین بدون وجود منابع طبیعی امکانپذیر نیست. نقش درختان در تثبیت آب و خاک، پالایش هوا از گازهای سمی، کنترل سیلاب، رسوب، فرسایش و جلوگیری از گسترش بیابان و آلودگی‌های زیست‌محیطی و صوتی به همراه نقش منبع طبیعی در توسعه توریسم و طبیعت‌گردی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

در کل می‌توان گفت همگان بر این امر واقفند که درخت و به طور کلی تمامی شاخسهم‌های محیط زیست نقش مستقیمی را در رابطه با فراهم کردن یک زندگی سالم دارند اما نکته‌ای که همواره ایجاد سوال کرده این است که چرا با وجود تمامی علائم مهربن و مشخص درباره این مهم، هنوز هم درختان و محیط زیست طبیعی قربانی منافع و لذت‌های زودگذر انسانی می‌شوند؟ این امر در حالی به وقوع می‌پیوندد که سرانه کاشت و وجود درختان در همدان نسبت به آمار کشور بسیار پایین است و از آنچه که داریم نیز غافلیم ! اکثر همدانی‌ها در پایان هفته برای راهی از دغدغه‌های شش روز کاری به درخت و گل و گیاهان پناه می‌برند تا دست کم از این رهگذر معنای واقعی و ملموس یک زندگی طبیعی را بازجویند لذا روجع به آغوش طبیعت می‌تواند نشان‌دهنده توجه مردم به وجود طبیعت و حفظ آن باشد.

■ **نکته اول: استعداد خدادادی**

به نقل از ایسنا، از ۱۱۳۱ گونه جانوری در اکوسیستم‌های خشکی و آب‌های ایران، تعداد ۳۳۹ گونه در همدان شناسایی شده است که حدود ۲۲ درصد تنوع زیستی کشور را شامل می‌شود. همچنین در کشور ۸ هزار گونه گیاهی وجود دارد که از این تعداد ۱۵۴۰ گونه در همدان شناسایی شده است که در مجموع شاهد بیش از ۱۹ درصد تنوع گونه‌های در استان هستیم.

در استان ما همدان نیز وجود ۱۵۴۰ گونه گیاهی نشان از استعداد خدادادی شهرمان از وجود انواع درختان و گیاهان دارد که همراه با مردمان زیسته و این خطه را تبدیل به یکی از سرسبزترین و زیباترین نقاط کشور کرده‌اند.

اما متأسفانه طبق آنچه مشخص است و از زبان مردم و در گاهی اوقات نیز از زبان مسئولان جاری می‌شود، باید در جمله‌بندی‌هایی که این زیبایی‌ها و سرسبزی‌های همدان بر آنها ذکر می‌شود از “افعال گذشته” استفاده کرد(! و برای مثال عنوان کرد که «بادش بخیر، همدان چه منطقه سرسبزی بود.»

■ **نکته دوم؛ مسئولان**

امروز و بر اساس توافقنامه‌هایی سودمخور که در محفل‌های خصوصی به تصمیم‌گیری‌های باغات می‌پردازند سبب شده است بخش زیادی از باغ‌های شهر همدان تغییر کاربری داده و بدون کمترین ممانعی فئات‌ها، نهرها و چاه‌های آبرسان باغ‌ها خشک شود و درختان سرسبزی که برای تصفیه هوای شهر بسیار کارآمد بودند، قطع شوند. بیش از ۲۰ سال است که بالای ساخت و ساز به جان باغ‌ها

و درختان همدان افتاده و ده‌ها هکتار از بهترین زمین‌های شهر به برج تبدیل شده‌اند. ماه‌های پایانی سال گذشته بود که حرص و طمع زمین و باغات باعث شد آثاری تاریخی همچون باغ بدیع‌الحکما و ذوالریاستین به مزایده گذاشته شد تا دکتربن “بلدوزریسم”، دهه‌ها گفتمان غالب پایتخت تاریخ و تمدن ایران‌زمین باشند و از پایتخت تاریخ و تمدن ایران تنها تاریخش باشد که در کتاب‌ها مکان‌یابی شود.

در اظهار نظرهایی که مسئولان از وضعیت باغات و فضای سبز همدان داشته‌اند؛ وضعیت فعلی باغات نامطلوب عنوان شده است و بر این موضوع تأکید شده که تغییر کاربری باغات و فضای سبز به فضاهای تفریحی و مسکونی باید بر اساس طرح جامع شهری صورت بگیرد و اگر به همین منوال روند تغییر کاربری باغات پیش برود و درختان جای خود را به ساختمان‌های سر به فلک کشیده بدهند، همدان این مزیت گردشگری خود را از دست خواهد داد. در اظهار نظری دیگر عنوان شده است که برخی با به آتش کشیدن باغات و رسیدگی نکردن به آنها، باغ‌ها را از بین می‌برند و به دنبال تغییر کاربری آن هستند و به اذعان همین مسئولان، ۴۵۵ مورد آتش‌سوزی عمدی در ۶ ماه اخیر در باغات شهرستان

باید قوانین مشخص و روشنی که برای برخورد با تغییر کاربری و ساخت و ساز غیرمجاز در زمین‌های کشاورزی و باغی وجود دارد، با قاطعیت اجرا شده و متخلفان در کمترین زمان پاسخگوی کار غیر قانونی خود باشند

"بلدوزریسم"؛ گفتمان غالب پایتخت تاریخ و تمدن

عجب مردمانی هستیم



هستیم که سهم استان همدان از این رقم ۱۲ هزار هکتار

است. (روزنامه آفرینش)

■ **نکته سوم؛ قانون قطع اشجار**

در اینجا تنها به ۳ مورد از چند قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ شورای انقلاب مصوب ۱۳ آبان ۱۳۸۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام اشاره می‌شود.

•به منظور حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان، قطع هر نوع درخت و یا نابود کردن آن به‌هرطریق در معابر، میداین، بزرگراه‌ها، پارک‌ها، بوستان‌ها، باغات و نیز محل‌هایی که به تشخیص شورای اسلامی



باغ‌های همدان در حال احداث و تخریب. در این تصویر می‌توان دید که درختان و باغ‌های همدان در حال تخریب و احداث می‌باشد.

سیام آدین

شمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

سیام آدین

شمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

جبران خسارات وارده، حسب مورد به جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال برای قطع هر درخت و در صورتی که قطع درخت بیش از ۳۰ اصله باشد به حبس تظری از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد. تبصره: درصورتی که قطع درخت از طرف مالکان به نجوی باشد که باغی را از بین ببرد و از زمین آن به صورت تفکیک و خانه‌سازی استفاده کند همه زمین به نفع شهرداری ضبط می‌شود و به مصرف خدمات عمومی شهر و محرومان می‌رسد.

قانون در خصوص عمدی و یا غیرعمدی بودن آسیب به اشجار و اموری که به محیط زیست آسیب می‌رساند به وضوح مجازات‌هایی را اعمال کرده است. حال اگر برای مسئولان همدانی مسلم شده است که ۴۵۵ مورد آتش‌سوزی عمدی در باغات همدان رخ داده است چرا به قانون و مجازات‌های تعیین شده، رجوع نمی‌کنند؟

■ **نکته چهارم؛ سودجویان**

برای حل مشکل ابتدا باید دست سودجویان را از تغییر کاربری اراضی کشاورزی و باغات کوتاه کرد. هرچند بخشی از تخریب این باغات و تغییر اراضی کاربری زمین‌های کشاورزی و تبدیل آن به واحدهای مسکونی به علت درخواست بالا برای خرید واحدهای مسکونی است اما بخش دیگر صرفاً به سودجویی برخی افراد مربوط می‌شود. آسیبی که از این اقدام به همدان، استان و حتی کل کشور وارد می‌شود، جبران‌ناپذیر بوده و لازم است با عزم راسخ و برخورد قاطع قانونی با افراد سودجو از بروز آسیب‌های بیشتر جلوگیری شود و باید شرایطی ایجاد شود که دست افراد سودجو برای خرید زمین‌های کشاورزی و تغییر کاربری آنها کوتاه شود.

باید قوانین مشخص و روشنی که برای برخورد با تغییر کاربری و ساخت و ساز غیرمجاز در زمین‌های کشاورزی و باغی وجود دارد، با قاطعیت اجرا شده و متخلفان در کمترین زمان پاسخگوی کار غیر قانونی خود باشند. نباید اجازه دهیم برخی سودجویان با قطعه‌قطعه کردن سرمایه‌ها و حیات طبیعی استان، بخشی از هویت همدان به عنوان استانی سبز را خندشه‌دار کنند.

■ **نکته پنجم؛ مردم**

حفظ محیط زیست در شهرها تنها مختص به اداره‌های

حفاظت از محیط زیست نیست و وجود سازمان‌هایی مانند سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری‌ها نیز در این عرصه دخیل است. وجود سازمان‌هایی مانند سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری‌ها در جهت احیا و توسعه فضای سبز و محیط زیست شهری بسیار مثبت است. همچنین نباید فراموش کنیم که مردم نخستین نگهبانان محیط زیست هستند که بدون شک دست در دست مسئولان به نحو احسن پاسداری از محیط زیست را چه در شهرها و چه در مناطق دیگر موجب می‌شوند. توجه و عملیاتی کردن کاشت درختان سریع‌الرشد و پوشش‌دهنده، توزیع بذر مطلوب و توجه به اقلیم هر منطقه در رابطه با کاشت انواع مختلف درختان در شهرهای استان از دیگر مواردی است که باید به آنها توجه کرد.

در این خصوص می‌توان گفت حفاظت از محیط زیست و در رأس آنها جلوگیری از قطع درختان تنها مربوط به یک نهاد خاص نمی‌شود و در واقع همکاری و تعامل دستگاه‌های ذیربط و خود مردم است که این مهم را تحقق می‌بخشد. در حقیقت می‌توان این پرسش را که «مسئولیت حفظ محیط زیست بر عهده کیست؟» را با اتکا بر تعامل و همکاری مردم و مسئولان ابراز داشت.

به هر روی انتظار می‌رود مسئولان همدانی با متخلفان و سودجویان برخورد قانونی به عمل بیاورند؛ زیرا از دست رفتن منابع ملی می‌تواند آسیب‌های اقتصادی بسیاری را به همدان تحمیل کند و شهروندان نیز در این راه کمک حال مسئولان شوند تا به جای خداحافظی زود هنگام با باغات همدان، سلامی دوباره را به این سرسبزی زندگانی‌بخش ابراز داریم و این امر اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه خود را به خواب نزنیم و همپای افراد سودجو و برخی مسئولان، بولدوزی برای ریشه‌کن کردن این استعداد خدادادی نباشیم.

در آخر تنها این سخنان استاد اذکایی است که شاید بتواند ما را به خودآگاهی غلبه بر "بولدوزریسم" و خدمت به آیندگان نزدیک کند؛ «باغ بدیع‌الحکما را دارند ویران می‌کنند. بلدوزر گذاشته‌اند و دارند خرابش می‌کنند. خبرنگاری را کتک زده‌اند. ۱۲۰ هکتار باغ را از بین برده‌اند. حالا ۶۲ هزار متر باغ عمارت بدیع‌الحکما، پدر امیرمهدی بدیع فیلسوف همدان را دارند نابود می‌کنند. عجب مردمانی هستیم!»



باغ‌های همدان در حال احداث و تخریب. در این تصویر می‌توان دید که درختان و باغ‌های همدان در حال تخریب و احداث می‌باشد.

از هشدار برای فضای سبز فراتر رویم

کعبه رضا ولیان تابش

توجه به سود آئی و تخریب سوده‌های پایدار مانند محیط زیست و فضای سبز در استان حکایت دارد. نگاهی به منطقه گنجنامه در همدان به عنوان نمونه‌ای از تخریب فضای سبز و باغات و محیط زیست، چگونگی این بی‌توجهی‌های خطرناک را به خوبی نشان خواهد داد؛ البته کوتاهی‌هایی که در زمینه محیط زیست می‌شود معمولاً با عنوان خلا قانونی، سرپوش گذاشته می‌شود.

به همین دلیل ورود نمایندگان برای رفع این نقض قانونی لازم است تا بیش از این به باغات و مناطق خوش آب و هوای استان آسیب وارد نشود.

اکنون ساخت و ساز در گنجنامه همدان باعث شده رودخانه این منطقه آلوده به فاضلاب شود و فضای سبز و راه تنفس اصلی همدان به مرور تخریب و مسدود شود. در کنار این ساخت و سازهای غیراصولی در مناطق مختلف شهر حتی در مرکز شهر، چشم‌انداز طبیعی همدان را برهم زده و مشکلات زیست محیطی مختلفی را ایجاد خواهد کرد.

بلند مرتبه‌سازی‌هایی که معمولاً الوُند را از دیده‌ها پنهان می‌کند یا با قطع درختان و تخریب باغات همراه است یا در مسیر کمربند سبزی قرار گرفته که قرار است با گسترش آن همدان در اطراف خود فضای سبز و تنفس داشته باشد!

برنامه‌ها طوری پیش می‌روند که انکار برخی نهاده‌ها کمر همت بر تخریب فضای سبز و قطع راه‌های تنفسی همدان بسته‌اند و نهاده‌های بالادستی نیز برای همراهی با آنها، چشم‌های خود را بر این تخریب بسته‌اند، غافل از اینکه اگر هشدارهای امروز جدی گرفته نشود، دیگر چشم‌ها برای دیدن همدان، باز نخواهد شد و اشتیاقی به دیدن شهری آلوده و عاری از مواهب طبیعی وجود نخواهد داشت. پس فراتر از هشدار به فکر اقدام عملی باشیم.

